

تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به خشونت سیاسی با تأکید بر موفقیت در ناآرامی و کنترل ناآرامی‌ها (مورد مطالعه: شهروندان شهر تهران)^۱

سید مهدی تقوی، آطلیعه خادمیان، آبراهیم متقی، آهادی شیرزاد^۵

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۶/۰۹
تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۹/۲۱

از صفحه ۱۰۹ تا ۱۳۲

پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی، سال سیزدهم،
شماره چهارم (پیاپی پنجاه‌ودوم)، زمستان ۱۳۹۹

چکیده

مقدمه: جامعه ایران متناسب با تحولات ساختاری در مناسبات اجتماعی و باورهای فرهنگی (به‌ویژه در کلان‌شهرها) در شرایط مدرنیته قرار گرفته است و این شرایط، مطالعه در خصوص علل بروز جنبش‌های اجتماعی در ایران را ناگزیر می‌کند. از این رو، پژوهش حاضر با هدف تبیین جامعه‌شناختی اثر موفقیت در ناآرامی و کنترل ناآرامی‌ها بر گرایش به خشونت سیاسی، سعی دارد به بخشی از متغیرهای اثرگذار بر این حوادث با نگاه علمی بنگرد.

روش: تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی و به روش پیمایشی می‌باشد. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شده است. جامعه مورد مطالعه این تحقیق نیز کلیه افراد ۱۸ سال به بالای ساکن شهر تهران در سال ۱۳۹۹ هستند که حجم نمونه به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای با استفاده از نرم‌افزار SPSS، sample power، ۱۰۰۹ نفر تعیین شد. ضریب آلفای کرونباخ برای متغیر خشونت سیاسی ۰/۷۸، موفقیت در کنترل ناآرامی‌ها توسط پلیس ۰/۶۲ و موفقیت در ناآرامی‌های جمعی توسط کنشگران ۰/۶۷ محاسبه شد. همچنین، از روش‌های آماری نظیر تحلیل تک‌متغیره و تحلیل معادلات ساختاری استفاده شده است.

یافته‌ها: مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که سن با ضریب (-۰/۱۴)، تحصیلات با ضریب (-۰/۱۲۵)، موفقیت در ناآرامی‌های جمعی با ضریب (۰/۴۵۱) و موفقیت در کنترل ناآرامی‌ها توسط پلیس با ضریب (۰/۶۳۹) با خشونت سیاسی ارتباط داشته‌اند. نتایج معادلات ساختاری نیز نشان می‌دهند که متغیرهای موفقیت در کنترل ناآرامی‌ها توسط پلیس، موفقیت در ناآرامی‌های جمعی کنشگران و سن (به صورت غیر مستقیم)، در مجموع ۱۱ درصد از واریانس متغیر وابسته پژوهش (گرایش به خشونت سیاسی) را تبیین می‌کنند.

نتیجه‌گیری: این پژوهش نشان داد با افزایش احساس توانمند بودن نظام و پلیس در کنترل ناآرامی‌ها، احساس موفقیت در ناآرامی‌های جمعی کنشگران کاهش می‌یابد.

کلیدواژه‌ها: خشونت سیاسی، موفقیت در ناآرامی، کنترل ناآرامی‌ها، شهر تهران.

۱- این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان «تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به خشونت سیاسی (مورد مطالعه: شهروندان تهرانی)» می‌باشد.

۲- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران.

۳- استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال (نویسنده مسئول): t_khademian@iau-tnb.ac.ir

۴- استاد علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۵- استادیار پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران.

ناآرامی‌های اجتماعی، پدیده‌های آنی به‌وجود آمده نیستند؛ بلکه در بستر روندهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی شکل گرفته و در شرایط زمانی خاصی، امروزه، موقعیت‌های تنش‌زای داخلی در بستر شرایط بین‌المللی و منطقه‌ای حدت و شدت یافته و جامعه را از وضعیت عادی خارج ساخته و در فضای تأثیر موقعیت بر افزایش ناراضی‌های اجتماعی و احساس ناامنی می‌افزاید، و بستر و زمینه مناسب را برای به بار نشستن ناآرامی‌ها فراهم می‌سازد و عدم عکس‌العمل مناسب به این مسئله و بسترسازی عوامل برون‌مرزی، فضا را برای ناآرامی اجتماعی آماده می‌کند. بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند وجوه جنبش‌های جدید اجتماعی و زمینه‌های شکل‌گیری آنها، از نمودهای جهان جدید به‌شمار می‌رود که پدیداری و پیدایش و تأثیرگذاری آن را محصول تعامل میان تغییرات ساختاری و هویت افراد می‌دانند؛ بدین معنا که تغییرات گسترده فرهنگی و اجتماعی در سطح ساختارها می‌تواند جنبش‌های اجتماعی را بازتولید کند؛ بنابراین به اعتقاد آنها، حرکت‌های اعتراضی در جوامع نوین به‌عنوان عاملی مهم و مؤثر در امور انسانی، خاصه سده هیجدهم به بعد، است؛ چراکه جهانی‌شدن و رشد صنعتی، محدودیت‌های کهنه را از جا برمی‌کند و درعین‌حال، مسائل تازه‌ای برای جوامع می‌آفریند. مسائلی همچون انفجار جمعیت، فقر و اوضاع نامطلوب بهداشتی در شهرهایی که به سرعت رشد می‌کنند. دگرگونی خانواده‌ها به علت اشتغال زنان و کودکان در کارخانه‌ها، نیاز به گسترش آموزش در حرفه‌های صنعتی و تجاری و فراهم ساختن امکان فعالیت‌هایی برای پر کردن اوقات فراغت توده شهری، را می‌توان از زمینه‌های این امر دانست (شهرام‌نیا و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۷). بعد از وقوع انقلاب اسلامی، از دهه‌های گذشته، شرایط ناآرامی‌ها و جنبش‌های اجتماعی نوینی در حال شکل‌گیری است که هراز گاهی کشور را با چالش‌های بحرانی روبرو می‌کند، روند این ناآرامی‌ها از دهه ۷۰ تاکنون نشان می‌دهد که این تحولات خشونت‌های سیاسی گوناگونی را به دنبال داشته و بسامد و شدت و گستردگی آنها نیز روزبه‌روز در حال افزایش است.

علاوه بر آن، صاحب‌نظران عوامل متعددی از جمله نوع حکومت، شرایط جغرافیایی و فرهنگی کشور ایران، همچون نرخ بیکاری فزاینده و جوانی جمعیت، فقر و محرومیت‌های اجتماعی - اقتصادی، نرخ امید به زندگی، افزایش سطح بهداشت روانی

و سلامت زیستی افراد، پیشرفت و گسترش ارتباطات نوین، فضای سایبر و بسترهای تعاملی افراد در این فضا از جمله تنوع شبکه‌های اجتماعی، استفاده از فروم‌ها (انجمن‌های اینترنتی)، حذف فاصله فیزیکی و نزدیکی افراد بشر در تمامی نقاط جهان که همگی خاصه عصر حاضر است، سبب آگاهی فزاینده و توسعه توقعات و انتظارات شهروندان شده است (دهقانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۴). نتیجه این تغییرات در حال گذار که به سرعت در حال افزایش روزافزون است، سبب شده که شهروندان در مقام مقایسه با تغییرات و پیشرفت‌های جهانی، حقوق و امکاناتی را از دولت مطالبه‌گری کنند. با محدود بودن امکانات و افزایش توقعات و نارسایی‌های متعددی دیگر، امکان برآورده کردن همگی این انتظارات از سوی دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی امکان‌پذیر نبود؛ بنابراین این امر سبب ایجاد سرخوردگی و عدم اعتماد به آن‌ها و زمینه اعتراض در جامعه و ترغیب و گرایش افراد به کنش و بروز اغتشاشات و ناآرامی‌های متعدد در کشور شد. به طوری که از دهه‌های گذشته و تقریباً از دهه ۷۰ تاکنون اعتراضات و ناآرامی‌های اجتماعی متعددی در اندازه، شدت و الگوهای مختلف با عناوین مختلف (دانشجویی، زنان، کارگری و صنفی و ...) در شهرهای مختلف به وجود آمد (سیدآشتی و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۲)؛ بنابراین می‌توان گفت که تأمین و حفظ امنیت و راه‌های دستیابی به آن در کشور از جمله مهم‌ترین چالش‌های است که شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی و اعتراضات داخلی آن می‌تواند نظام سیاسی و مشروعیت حاکمیت آن را به مخاطره بیافکند. این کنش‌ها، چنانچه مدیریت نشوند، می‌توانند اثرات پرشماری از خود برجا گذارند و نظم و نظام مستقر را با چالش روبه‌رو سازند (الیاسی، ۱۳۹۷: ۸۴).

بررسی روند اعتراضات و ناآرامی‌های ایران از دهه ۷۰ تاکنون نشان می‌دهد، اعتراضات از سال ۷۸ که پس از جریانات کوی دانشگاه تهران رخ داد، تا اعتراضات بعدی پس از ریاست جمهوری در سال ۸۸، تقریباً ۱۰ سال فاصله وجود داشته است و پس از آن، ۸ سال دیگر طول کشید تا در سال ۹۶ اعتراضی سراسری در کشور اتفاق بیافتد؛ اما تنها در سال ۹۸ دو اعتراض بزرگ با شدت بیشتر در کشور رخ داد که با اعتراضات آبان‌ماه به علت افزایش قیمت بنزین شروع شد و به سرعت ماهیت سیاسی پیدا کرد و در ادامه اعتراضات آبان‌ماه ۹۸ که به فاصله چند ماهی از اعتراض قبلی در اکثر شهرهای کشور رخ داد؛ بنابراین مختصات این ناآرامی‌ها حاکی از کاهش فاصله طولی



آنها و افزایش خشونت و کوتاهی مدت آنها است. همچنین، بسیاری از تحلیلگران سیاسی معتقد بودند که ماهیت شعارهای این دوره از اعتراضات نشان می‌دهد که گفتمان غالب این اعتراضات نسبت به گذشته، گفتمان براندازی و از جنس سیاسی است (اصلانی، ۱۳۹۸: ۷۶). همچنین، در پی حوادث دی‌ماه ۱۳۹۶ و آبان‌ماه ۱۳۹۸، گمانه‌زنی‌های مختلفی در خصوص سازماندهی ناآرامی‌ها توسط کشورهای خارجی، گروه‌های اپوزیسیون یا رقبای داخلی دولت مطرح شد. بسیاری از افراد، به‌ویژه مقامات سیاسی و نظامی، حوادث سال ۱۳۹۶ و به‌ویژه حوادث سال ۱۳۹۸ را سازمان‌دهی شده قلمداد کرده و شواهدی برای آن بیان کرده‌اند. بسیاری از تحلیل‌گران نیز به‌ویژه در قشر دانشگاهی، وجود سازماندهی در دو حادثه را انکار کردند (دهقانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۹). برخی نیز ادعا کردند که حوادث سال ۱۳۹۶ فاقد سازماندهی، ولی حوادث سال ۱۳۹۸ با سازماندهی بوده است.

برای نمونه، وزیر کشور در تاریخ ۸ فروردین ۱۳۹۷ در خصوص ناآرامی‌های دی‌ماه ۳۹۶ اذعان کرد: «ما در تحقیقات خود به هیچ‌وجه به سازمان‌یافتگی اعتراض‌ها نرسیدیم؛ به‌عبارت واضح‌تر، به این نتیجه نرسیدیم که یک گروه، طیف و جناح یا معاندین و ضدانقلاب‌ها اعتراض‌ها را از بیرون سازماندهی کرده باشند. این حرف به‌معنای این نیست که معاندین و مخالفان از اعتراض‌ها سوءاستفاده نکرده باشند، چون هم در تشدید، هم در هدایت و هم برای بهره‌برداری نهایت تلاش خود را کردند» (رحمانی فضلی، ۱۳۹۷). در خصوص ناآرامی آبان‌ماه ۱۳۹۸، وزیر کشور در تاریخ پنجم آذر ۱۳۹۸ ضمن تأیید سازماندهی ناآرامی‌ها اظهار کرد: «در حومه تهران و شهرستان‌های درگیر، زنان معترض هدایت و رهبری گروه‌های کوچک معترضان را به عهده داشتند. معترضان در هسته‌های پنج یا شش نفره که حتماً همراه آنها یک خانم بود که مردم را تهییج کنند، به سلاح‌هایی همچون کوکتل مولوتوف مسلح بودند. دخالت نیروهای خارجی به‌صورت مستقیم و آشکار توسط مقامات آمریکایی، اروپایی و رژیم صهیونیستی اعلام شد و رسانه‌های آنها نیز با انتشار تصاویر سعی در تهییج داشتند» (رحمانی فضلی، ۱۳۹۸). از طرفی، خشن بودن رفتار یا خشونت سازمان‌یافته سیاسی افراد از ویژگی‌های منحصربه‌فرد این ناآرامی‌های اخیر بود که گواه این موضوع را میزان تخریب و تلفات انسانی، سطح و عمق خشونت در این نوع اعتراضات نشان می‌دهد

(رضایی، ۱۳۹۲: ۹۸). علاوه بر تمرکز بر ماهیت و عوامل تأثیرگذار بر ناآرامی‌ها و اعتراضات گذشته که ضرورت بررسی این پژوهش است، توجه جامعه‌شناختی به مسئله بیماری کرونا و همه‌گیری و شیوع آن در ایران و جهان به‌عنوان یک بحران اجتماعی-اقتصادی است، که چند ماهی است، افکار عمومی جهان را به خود متمرکز ساخته است؛ بنابراین توجه به پیامدهای مختلف اجتماعی- فرهنگی، امنیتی، اقتصادی و سیاسی که این بیماری در کشور به دنبال خود داشته، ضرورت بررسی جنبش‌های اجتماعی و خشونت سیاسی را دوچندان می‌کند؛ چراکه اگر مسئله رکود اقتصادی ناشی از کرونا در کشور ادامه‌دار شود، به دنبال آن، کارخانجات تعطیل و قشر کارگری و ضعیف جامعه که توان اقتصادی اندکی دارند، میدان‌دار ناآرامی‌های پیش‌روی کشور خواهند بود.

خشونت سیاسی و بروز ناآرامی و نارضایتی بر علیه دولت و حاکمیت را می‌توان متأثر از عوامل گوناگونی دانست. وجود ضعف اقتصادی (فقر، بیکاری، تورم و ...)، سیاسی (عدم آزادی احزاب، میزان بسته و باز بودن جامعه، محیط امنیتی- منطقه‌ای یک کشور و ...) فرهنگی- اجتماعی (تبعیض‌های قومی و مذهبی، شکاف بین حکومت و قومیت‌ها، رابطه باز قومیت‌ها یا اقلیت‌های مذهبی با کشورهای خارجی و ...) و از طرفی، وجود برخی ویژگی‌های شخصی در افراد (نظیر ناکامی، شکست، سرخوردگی و...) همگی در بروز خشونت و ناآرامی در یک جامعه تأثیرگذارند (نادریپور، ۱۳۹۸: ۹۷). بر این اساس، سؤال اصلی این پژوهش این است که عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر گرایش به خشونت سیاسی با تأکید بر موفقیت در ناآرامی و کنترل ناآرامی‌ها در بین شهروندان تهرانی کدامند؟

پیشینه و مبانی نظری پژوهش

پیشینه پژوهش

- محمودوند (۱۳۹۸)، تحقیقی با عنوان «بررسی رابطه نابرابری اقتصادی و ناآرامی‌های اجتماعی ایران و کشورهای منتخب» انجام داده است. نتایج پژوهش بیانگر این است که نابرابری در هر دو گروه از کشورها، عامل مهمی در شکل‌گیری ناآرامی‌های سیاسی- اجتماعی است؛ بنابراین توجه دولت‌ها به این عامل می‌تواند موجب بهبود ثبات سیاسی- اجتماعی شود.



- محمدی لرد (۱۳۹۸)، در تحقیق خود با عنوان «مدل مفهومی سازماندهی در ناآرامی‌های خیابانی» نتیجه می‌گیرد که مهم‌ترین شاخص‌های سازماندهی ناآرامی‌های خیابانی عبارت‌اند از: ۱- وجود تقسیم کار و نقش‌های تخصصی بین مخالفان ۲- وجود حداقل یک خزانه عمومی از منابع عمده مثل پول، سلاح، اطلاعات یا هر چیز دیگری به همراه مکانیسمی برای توزیع آنها ۳- میزان تمایز سلسله‌مراتبی در بین مخالفان و شکل‌گیری رهبری و کادر.
- گودرزی (۱۳۹۱)، تحقیقی با عنوان «ناآرامی‌های اجتماعی، عوامل و فرایند آن» به انجام رسانده است. در این پژوهش محقق نتیجه می‌گیرد که بیشتر افراد در هر سه ناآرامی دارای توان بالقوه بالایی برای اعتراضات اجتماعی بوده‌اند، اما اکثریت آنها در ابتدا، خواهان رفع مشکلات حادث شده به روش مسالمت‌آمیز بوده‌اند که با توجه به نوع عملکرد مسئولین سیاسی - امنیتی منجر به درگیری شده است.
- جاماسیان (۱۳۹۶)، پژوهشی با عنوان «شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر در بروز خشونت و راهکارهای پیشگیری از آن در سطح یزد» به انجام رسانده است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، متغیرهای بی‌نظمی اجتماعی، کنترل رسمی، تحصیلات، دینداری و کنترل غیر رسمی به‌ترتیب، بیشترین تأثیر را بر میزان خشونت داشته است. از این‌رو، عوامل بالا بایستی مورد مطالعه دقیق قرارگیرند تا میزان گرایش به خشونت در افراد کمتر شود.
- عباس خسروانی (۱۳۹۸)، در تحقیق خود با عنوان «عوامل مؤثر بر اعتراضات کارگری در شهر اراک» بیان می‌کند که متغیرهای ساختاری، معیشتی، مدیرتی و تشکل‌یابی با اعتراضات خیابانی کارگران رابطه مستقیم داشته و بین آنها با متغیر مستقل، همبستگی قوی وجود دارد.
- دستمالچی (۱۳۹۵)، در تحقیق خود با عنوان «کنترل ناآرامی‌های اجتماعی توسط پلیس از نگاه مطبوعات (ناآرامی‌های دانشجویی تهران سال‌های ۸۲ و ۷۸)» تعامل با رسانه‌ها و مطبوعات از ارکان اساسی روش‌های نرم و مدیریت بحران است؛ بنابراین روابط مناسب با رسانه‌ها و بهره‌برداری از آن در مدیریت

- بحران‌های اجتماعی ضروری به نظر می‌رسد. در پایان، یافته‌ها نشان می‌دهد که عملکرد پلیس در دیدگاه مطبوعات مؤثر بوده است.
- جاوید حاتمی (۱۳۹۸)، تحقیقی با عنوان «نقش و کارکرد شبکه‌های اجتماعی در بروز اغتشاشات سال‌های ۱۳۹۶-۱۳۹۷» به انجام رسانده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد این کانال‌ها در زمینه شیوه‌های به‌کارگیری عملیات روانی راهبردی کانال آمدنیوز بیشتر از شیوه‌های القاء انسانیت‌زدایی، ناکارآمدی نظام، تکرار و برجسب زدن استفاده کرده است. کانال‌های پشت‌پرده از روش‌های انسانیت‌زدایی، ناکارآمدی نظام، تکرار، برجسب زدن استفاده کرده است.
- شایگان و همکاران (۱۳۹۷)، در تحقیقی با عنوان «واکاوی راهبرد امنیت و آرامش از دیدگاه مقام معظم رهبری» نتیجه گرفتند که برای تحقق آرامش و امنیت در جامعه باید به عوامل داخل و خارج از مرزهای کشور، از جمله رصد برنامه‌های دشمنان، هوشیاری نیروهای انقلابی و نخبگان، تقویت باور و ایمان، سبک زندگی اسلامی، قانونمندی و فساد ستیزی، تأمین مادی و روانی زندگی افراد، وحدت درونی، حضور و همراهی اقشار مردم، پیشرفت‌های علمی، عدالت عمومی و استحکام سازمان‌ها و تشکیلات دفاعی و امنیتی توجه کرد.
- گانی و همکارانش (۲۰۰۵)، در پژوهش خود با عنوان «نقش تعهدات در پیشگیری از ارتکاب جرائم» بیان می‌کند که سطح بالای تعهد مدنی می‌تواند ادغام جوانان را تسهیل کند و از ارتکاب جرائم در میان آنان جلوگیری کند. آنها بر جنبه‌های محافظتی تعهدات اجتماعی تأکید می‌کنند و این ویژگی‌ها را با تئوری‌های کنترل اجتماعی ارتباط می‌دهند.
- شوسمن^۱ و سول (۲۰۰۵)، پژوهشی را با عنوان «بررسی علل مشارکت افراد در اعتراض‌ها» به انجام رساندند. در این پژوهش، آنها چنین نتیجه می‌گیرند که در سال ۱۹۷۸ تنها ۷ درصد اظهار کرده‌اند که در طول زندگی‌شان حداقل یک‌بار در رویدادی اعتراضی مشارکت داشته‌اند. این رقم در سال ۱۹۹۴، یعنی در

1- Alan Schussman



دوره‌ای که شاهد کاهش رأی‌دهندگان بودیم، به ۱۰ درصد رسیده است. از این رو، نباید مشارکت سیاسی را تنها به رأی دادن محدود کرد.

- تد رابرت گر (۱۹۶۸) کتابی با عنوان «چرا انسان‌ها شورش می‌کنند؟» به رشته تحریر در آورده است. در این کتاب نویسنده با تأکید بر نظریه «محرومیت نسبی» اظهار می‌کند که این پدیده (محرومیت نسبی) متأثر از اختلاف بین موقعیت و توانایی‌های ارزشی جامعه می‌باشد که به خشونت منجر می‌شود.

همان‌گونه که در پژوهش‌های بالا اشاره شد، در خصوص علل بروز ناآرامی‌های اجتماعی و تحلیل زمینه‌ها و بسترهای آن، پژوهش‌های بسیاری انجام شده است؛ اما در خصوص تبیین ناآرامی‌ها و علل تأثیرگذار بر خشونت سیاسی که یکی از مهم‌ترین اهداف جامعه‌شناسان سیاسی است، به جز اشاراتی که در متون نظری آمده است یا از نظر زمانی مربوط به قبل از انقلاب اسلامی است، تاکنون پژوهش‌های جامعی صورت نگرفته است؛ بنابراین این پژوهش به این لحاظ و با در نظر گرفتن متغیرهای در نظر گرفته شده، نوآوری دارد.

مبانی نظری پژوهش

مهم‌ترین رویکردی که در جامعه‌شناسی می‌توان از طریق آن به تبیین ناآرامی‌های سیاسی نزدیک شد، رویکرد تضاد می‌باشد. چهار محور اساسی برای کلیه نظریه‌های تضاد در جامعه‌شناسی برمی‌شمارد: ۱) تضاد و کشمکش بین افراد و گروه‌ها برای دستیابی به منابع کمیاب است؛ ۲) تضاد بر روی منابع مختلف بروز می‌کند و مهم‌ترین نوع تضادها بر روی قدرت و اقتصاد است؛ ۳) ادامه تسلط حاصل از تضاد باعث سلطه گروه مسلط - به‌عنوان یک الگوی سلطه مقبول - بر دیگر گروه‌هاست؛ ۴) گروه‌های مسلط حاصل از تضاد اجازه به‌رمند شدن بر سایر منابع و ساختارهای جامعه را خواهند داشت (سندرسون، ۲۰۰۷: ۶۶۲). کوزر (۱۹۵۶، ۱۹۵۷) سعی می‌کند با بصیرت از وبر و زیمل و در پرتو کارکردگرایی پارسنزی تئوری خود را ارائه دهد. در کار کوزر، علل تضاد، میزان شدت خشونت در تضاد، طول دوره تضاد و کارکردهای تضاد مورد بررسی

قراری‌گیرد (ترنر، ۱۹۸۵۱: ۲۴۳). برای کوزر نابرابری در توزیع منابع کمیاب زمانی که مشروعیت خود را از دست دهد، تضاد بین گروه‌ها آغاز می‌شود و به تبعیت از وبر، طبقه، قدرت و منزلت را منابع کمیاب با توزیع نابرابر می‌داند. با رشد عدم مشروعیت این نابرابری و آگاهی افراد و احساس محرومیتی که ایجاد می‌شود، باعث می‌شود تا تضاد بین افراد و گروه‌ها افزایش یابد. کوزر ادامه می‌دهد، هرچه قدر اهداف تضاد از زمینه عقلانی به سوی اهداف عاطفی و ماورائی حرکت کند، تضاد خونین‌تر خواهد بود. او معتقد است، هرچه قدر اهداف در تضاد، مبهم، غیرقابل بررسی و نامعین باشند، طول مدت تضاد بیشتر است و هرچه قدر اهداف مشخص‌تر و قابل دسترس‌تر باشند، طول مدت تضاد کوتاه‌تر خواهد بود. او همچنین میزان آگاهی نسبت به اهداف، میزان برابری قدرت گروه‌های درگیر و واضح بودن شاخص‌های پیروزی و شکست در تضاد را از دلایل مؤثر بر طول مدت تضاد می‌داند. در زمینه کارکردهای تضاد، کوزر معتقد است تضاد شدید بین گروه‌ها کارکرد انسجامی دارد. ابداع، خلاقیت و نوآوری، ایجاد هنجارهای جدید و تنظیمات هنجاری از دیگر کارکردهای تضاد است. کالینز^۲ (۱۹۸۱) در همان دهه - همزمان با ترنر- تئوری تحلیلی تضاد را ارائه کرد (کالینز، ۱۹۸۱). او معتقد است باید کنش متقابل و ترتیبات مادی که بر روی این کنش اثرگذار است، به‌عنوان بنیاد اساسی هر تحلیل جامعه‌شناختی نگریسته شود. او علاوه‌براین، نمادهای فرهنگی (ایده‌ها، باورها و هنجارها) که منافع گروه‌های صاحب منابع را توجیه می‌کند، مورد توجه قرار داد.

اسملسر (۱۳۸۰) در بحث پیرامون زمینه‌های پدیدآیی و وقوع کنش‌های جمعی اعتراض‌آمیز، تبیین ویژه‌ای به دست می‌دهد. به باور او، چهار دسته عوامل موجب شکل‌گیری و بروز رفتارهای بحران‌زای جمعی می‌شوند. آن عوامل عبارت‌اند از: شرایط مساعد ساختاری، فشار ساختاری، رشد و انتشار عقیده تعمیم‌یافته عوامل تسریع‌کننده، بسیج توده‌ها و میزان کنترل اجتماعی. تبیینی نیز بر این باور است که اعتراضات و کنش‌های بحران‌آمیز شهری، زمانی پدید می‌آیند که شرایط چهارگانه از جمله وجود نارضایتی در بین گروهی از افراد جامعه، بسیج ناراضیان، وجود منافع مشترک بین

1 Turner
2 Collins



ناراضیان و فرصت طلایی برای تبدیل نارضایتی به بحران، فراهم باشد (گیدنز، ۱۳۸۵: ۵۷). بلومر جنبش‌های اجتماعی را از منظر کنش «متقابل نمادین» مورد توجه قرار داده است. به نظر وی، جنبش‌های اجتماعی را می‌توان اقداماتی جمعی دید که هدف آنها تأسیس نظامی نوین از زندگی است که ریشه در شریط ناآرامی دارند و قدرت انگیزش خود را از یک سو، از نارضایتی از شکل جاری زندگی و از سوی دیگر، از آرزوها و امیدهای‌شان برای یک طرح یا نظام جدید زندگی تأمین می‌کنند (مشیرزاده، ۱۳۸۱: ۹۷). بلومر با تفکیک جنبش‌های اجتماعی به عام و خاص، معتقد است که جنبش‌های عام را سازمانی تقریباً بی‌شکل و با چهره‌ای غیردقیق می‌داند که سعی دارد ارزش‌های جدیدی را بنمایاند و جنبش‌های خاص، یک هدف کاملاً تعریف شده و مشخص دارند و به‌طور معمول، توان پیدا کردن یک رهبر شناخته شده را دارند.

در این بین، در درجه اول می‌توان به نظریه گرودر^۱ (۲۰۰۱) اشاره کرد. وی به سبک بسیاری از متخصصان حیطه ارتباطات، رسانه را در عصر حاضر مهم‌ترین ابزار تسلط می‌داند. وی معتقد است در بسیاری از کشورهایی که شکاف نسبی بین جامعه و دولت وجود دارد، غالباً قدرت‌های بزرگ‌تر تلاش می‌کنند تا با ابزار رسانه به تشدید این شکاف بپردازند. عمیق‌تر شدن این شکاف در بلندمدت می‌تواند با ایجاد نارضایتی مردم از نظام سیاسی به خشونت سیاسی منجر شود؛ اما در این بین، وقوع خشونت صرفاً منوط به دخالت بیگانگان نیست؛ در این بین، دو فاکتور دیگر نیز تأثیرگذارند. فاکتور اول، میزان قدرتمندی نظام سیاسی در سه بعد نظامی، بروکراتیک و اقتصادی است (مان، ۲۰۰۵: ۲۹). در صورتی که شهروندان احساس کنند نظام سیاسی قادر است با توسل به قدرت‌های بروکراتیک و نظامی از وقوع خشونت سیاسی پیشگیری کند، احتمال پیوستن به این‌گونه جنبش‌ها کمتر خواهد بود. از طرفی، فارغ از ارزیابی مردم از توان نظام سیاسی، شورش‌های گذشته نیز ملاک خوبی می‌تواند باشد. به این معنا که شهروندان با مراجعه به اعتراضات گذشته در ذهن خود ارزیابی نسبی از میزان موفقیت آنها در دستیابی به اهداف خود خواهند داشت. اگر چنانچه اعتراضات قبلی چندان موفقیت نبوده باشد، یا هزینه آنچه که به‌دست آمده است بیشتر از برآوردهای آنها بوده باشد،

1 Groder

شهروندان در شرایط ثابت بودن سایر شرایط، احتمال کمتری وجود خواهد داشت که به جنبش بپیوندند.

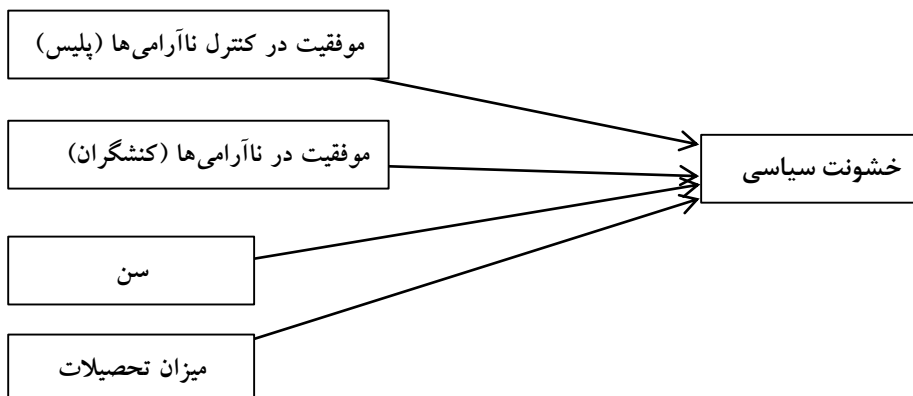
در مقابل، هیز^۱ (۱۹۸۰) معتقد است: اگر دولت به‌جای اتکا بر توان بروکراتیک و نظامی خود، به قدرت نمادین خود تکیه کند، در این شرایط با جذب شهروندان و نخگبان در بدنه نظام سیاسی و تحقق دمکراسی، حتی در معنای بسیار ضعیف آن، به راحتی می‌تواند از وقوع چنین خشونت‌هایی پیشگیری کند. در این شرایط، شهروندان احساس خواهند کرد، خود به‌عنوان بخشی از سیستم تصمیم‌گیری در کشور نقش دارند. از این رو، حتی اگر نتیجه این کار فقر و نابرابری وسیع هم بوده باشد، احتمال تبدیل آنها به شورش‌های وسیع کمتر است. سن (۱۹۹۵) در این مورد به کشور هند اشاره می‌کند. از هند غالباً به‌عنوان کشوری با بزرگ‌ترین دمکراسی یاد می‌شود که در آن، دولت و نظام سیاسی به‌جای اتکا به ابزارهای نظامی، با مشارکت دادن مردم در بدنه نظام سیاسی تا حدود زیادی از خشونت سیاسی پیشگیری کرده است. این در حالی است که این کشور به لحاظ نابرابری (با برخورداری از نظام کاستی) در سطح بسیار بالایی قرار دارد و آمار فقر در این کشور بسیار گسترده است. در این کشور علی‌رغم این مشکلات، مردم بسیار به عملکرد نظام سیاسی اطمینان دارند و معتقدند که دولت می‌تواند به راحتی مسائل موجود را در بلندمدت مرتفع سازد (تروینو، ۱۹۸۵: ۸۴)؛ اما قوی‌ترین فرضیه همان پاسخ سیمور مارتین لیپست (۱۹۸۵) است. وی معتقد است هرچند ممکن است نظام سیاسی دمکراتیک نباشد، اما اطمینان مردم به نظام سیاسی صرفاً به واسطه مشارک آنها در تصمیم‌گیری‌ها محقق نمی‌شود؛ اگر یک دولت در انجام وظایف کارکردی خود موفقیت نسبی داشته باشد، بخش وسیعی از منشأ نارضایتی که مربوط به نیازهای افراد می‌باشد، تأمین خواهد شد و اگر در این بین نارضایتی وجود داشته باشد، آن نارضایتی صرفاً مربوط به آزادی‌های سیاسی خواهد بود. فعال شدن این نوع نارضایتی و تبدیل آن به خشونت سیاسی فرایندی به نسبت طولانی است.

در نهایت می‌توان گفت، خشونت سیاسی نیز نظیر بسیاری از مسائل یک جامعه، تحت تأثیر فاکتورهای بسیاری قرار دارد. ضمن اینکه به لحاظ روش‌شناسی لزوماً فقط

1- Hayes
2 Sen



یک مجموعه علل ثابت برای وقوع چنین پدیده‌ای وجود نداشته و میدان‌های علی مختلفی بتوانند به بروز چنین پدیده‌ای منجر شوند. آنچه که گفته شد، صرفاً یک مجموعه از شرایط علی بود که از بطن نظریات موجود در این زمینه استخراج شده بود؛ بنابراین با توجه به چارچوب نظری پیش گفته می‌توان مدل تحلیلی زیر را استخراج کرد:



شکل ۱: مدل تحلیلی تبیین جامعه‌شناختی خشونت سیاسی

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نظر هدف، در حیطه تحقیقات کاربردی است؛ به این دلیل که به زمینه‌یابی برای حل مسئله در دنیای واقعی می‌پردازد و می‌توان آن را در موقعیت‌های واقعی و عملی به کار برد. در این پژوهش از روش پیمایشی استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق، کلیه افراد بالای ۱۸ سال ساکن در شهر تهران در سال ۱۳۹۹ را تشکیل می‌دادند که حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۱۰۰۹ نفر تعیین شد که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. برای انتخاب اعضای نمونه در تهران، در وهله اول، بر اساس مناطق ۲۲گانه شهرداری، شهر به ۵ قسمت شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز (خوشه) تقسیم شد. سپس، طبق نقشه جغرافیایی مناطق نوزده‌گانه شهر تهران، مناطقی که تقریباً در امتداد یک «به علاوه» نسبتاً مورب قرار داشتند و شامل مناطق ۱، ۳، ۵، ۶، ۸، ۱۱، ۱۶ و ۱۹ می‌شدند، انتخاب شدند. به طوری که، مناطق ۱ و ۳ در شمال، منطقه ۶ و ۱۱ در مرکز، مناطق ۱۶ و ۱۹ در جنوب و بالاخره، مناطق ۸ و ۵ به

ترتیب، در شرق و غرب تهران واقع شده بودند. در این پژوهش برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه محقق ساخته با سؤالات بسته استفاده شد.

برای دستیابی به اعتبار ابزار تحقیق از اعتبار صوری استفاده شد. در این روش پس از اخذ نظرات ناظر علمی تحقیق، ابتدا پرسشنامه در اختیار ۴ نفر از اساتید متخصص قرار گرفت و با در نظر گرفتن نکات بیان شده در نظرات همگی آنان، اعتبار پرسشنامه مورد سنجش قرار گرفت. روایی سؤالات پرسشنامه این پژوهش بر اساس آزمون آلفای کرونباخ تعیین شده است که دامنه آن بین ۰ تا ۱ می‌باشد بر این مبنا به پایداری درونی گویه‌ها پی برده می‌شود. آلفای کرونباخ سؤالات پرسشنامه در جدول شماره (۱) آمده است.

جدول ۱: اعتبار شاخص‌های پژوهش

مقدار آلفا	تعداد گویه‌ها	شاخص
۰/۶۲	۴	موفقیت در کنترل ناآرامی‌ها توسط دولت (پلیس)
۰/۶۷	۴	موفقیت در ناآرامی‌های جمعی توسط مردم (کنش‌گران)
۰/۷۸	۸	خشونت سیاسی

همچنین، از روش‌های آماری نظیر تحلیل تک‌متغیره (شاخص‌های گرایش به مرکز و پراکندگی) و تحلیل معادلات ساختاری جهت تحلیل داده‌ها استفاده شد.

تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش

(۱) موفقیت در کنترل ناآرامی‌ها توسط دولت (پلیس): در این تحقیق، منظور نگرش مردم نسبت به توان نظام (پلیس) در مدیریت و کنترل ناآرامی‌ها در گذشته است؛ به‌نحوی که اگر در حافظه تاریخی خود در اعتراضات چند سال اخیر، معترضین را در دستیابی به اهدافشان موفق دیده باشند، انگیزه بیشتری برای شرکت در ناآرامی‌ها خواهند داشت. این مفهوم با ۴ گویه سنجیده می‌شود.

(۲) میزان موفقیت در ناآرامی‌های جمعی توسط مردم: سنجش نگرش مردم نسبت به سابقه و نتایج اعتراضات چند سال اخیر و میزان موفقیت معترضان در دستیابی به اهداف خود که با ۴ گویه سنجش شد.



۳) **خشونت سیاسی:** در این تحقیق، این مفهوم با آمادگی فرد برای مشارکت در ناآرامی‌های جمعی و اعتقاد به این که رفع مشکلات فقط با ریختن در خیابان و اعتراضات جمعی قابل حل است، با ۸ گویه سنجیده شد.

یافته‌های پژوهش

الف - یافته‌های توصیفی: نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها در بخش توصیفی نشان داد که ۵۰ درصد پاسخگویان مرد و ۵۰ درصد زن بوده‌اند. ۴۰/۵ درصد از نمونه‌های آماری مجرد و ۵۷/۸ درصد متأهل بوده‌اند. گروه سنی ۳۶ تا ۴۵ سال دارای بیشترین فراوانی (۴۱/۲ درصد) و گروه‌های سنی ۶۶ سال و بالاتر دارای کمترین فراوانی (۱/۲ درصد) می‌باشد. همچنین، ۳۵۵ نفر (۳۸/۸ درصد) از پاسخگویان دارای مدرک تحصیلی دیپلم بودند که بیشترین فراوانی را در بین آنان شامل می‌شد. بیشترین نمونه‌های آماری، دارای مشاغل آزاد بوده‌اند (۲۹/۸ درصد). خانه‌داران، دانشجویان و کارمندان بخش خصوصی در گروه‌های بعدی قرار داشتند. میانگین میزان خشونت سیاسی در بین پاسخگویان، ۴۱/۲ و انحراف معیار آن ۱۸/۸ بوده است. نتایج میانگین موفقیت در کنترل ناآرمی‌ها توسط دولت (پلیس) در بین پاسخگویان، ۵۵/۸ بوده و انحراف معیار آن ۱۸/۹ بوده است. میانگین میزان موفقیت در ناآرامی‌های جمعی توسط مردم در بین پاسخگویان، ۳۰/۷ بوده و انحراف معیار آن ۲۲/۸ بوده است.

جدول ۲: میانگین و انحراف معیار متغیرهای تحقیق

ردیف	متغیرهای تحقیق	میانگین	انحراف معیار
۱	خشونت سیاسی	۴۱/۲	۱۸/۸
۲	موفقیت در کنترل ناآرمی‌ها (پلیس)	۵۵/۸	۱۸/۹
۳	موفقیت در ناآرامی‌های جمعی (کنش‌گران)	۳۰/۷	۲۲/۸

ب - یافته‌های استنباطی: در این پژوهش، پس از مشخص نمودن نرمال بودن متغیرها و سنجش هر یک از متغیرها، فرضیه‌ها آزمون شدند. در جدول شماره (۳) رابطه متغیرهای مستقل، موفقیت در کنترل ناآرمی‌ها (پلیس)، موفقیت در ناآرامی‌های جمعی (کنش‌گران)، سن و تحصیلات با متغیر وابسته (خشونت سیاسی) ارائه شده است.

جدول ۳: رابطه متغیرهای مستقل با وابسته

ردیف	متغیر مستقل	نوع آزمون	سطح معناداری	ضریب	قبولی یا ردی
۱	موفقیت در کنترل ناآرمی‌ها (پلیس)	پیرسون	۰/۰۰۰	-۰/۶۳۹	تأیید
۲	موفقیت در ناآرمی‌های جمعی (کنش‌گران)	پیرسون	۰/۰۰۰	۰/۴۵۱	تأیید
۳	سن	پیرسون	۰/۰۰۰	-۰/۱۴	تأیید
۴	تحصیلات	پیرسون	۰/۰۰۰	-۰/۱۲۵	تأیید

بر اساس یافته‌های جدول شماره (۳)، نتایج آزمون فرضیه‌ها در ادامه ارائه می‌شود:

(۱) به نظر می‌رسد موفقیت در کنترل ناآرمی‌ها (پلیس) بر خشونت سیاسی شهروندان شهر تهران تأثیر دارد. با توجه به داده‌های مقدار ضریب همبستگی پیرسون ۰/۶۳۹ و سطح معناداری ۰/۰۰۰ می‌توان با اطمینان ۹۵ درصد بیان کرد که بین موفقیت در کنترل ناآرمی‌ها (پلیس) با خشونت سیاسی رابطه وجود دارد. از طرفی، مقدار این رابطه که برابر با ۰/۶۳۹ است، به صورت معکوس (منفی) و در حد قوی می‌باشد؛ بدین معنی که با بالا رفتن موفقیت پلیس در کنترل ناآرمی‌ها، میزان خشونت سیاسی نیز به نسبت زیادی کاهش پیدا می‌کند.

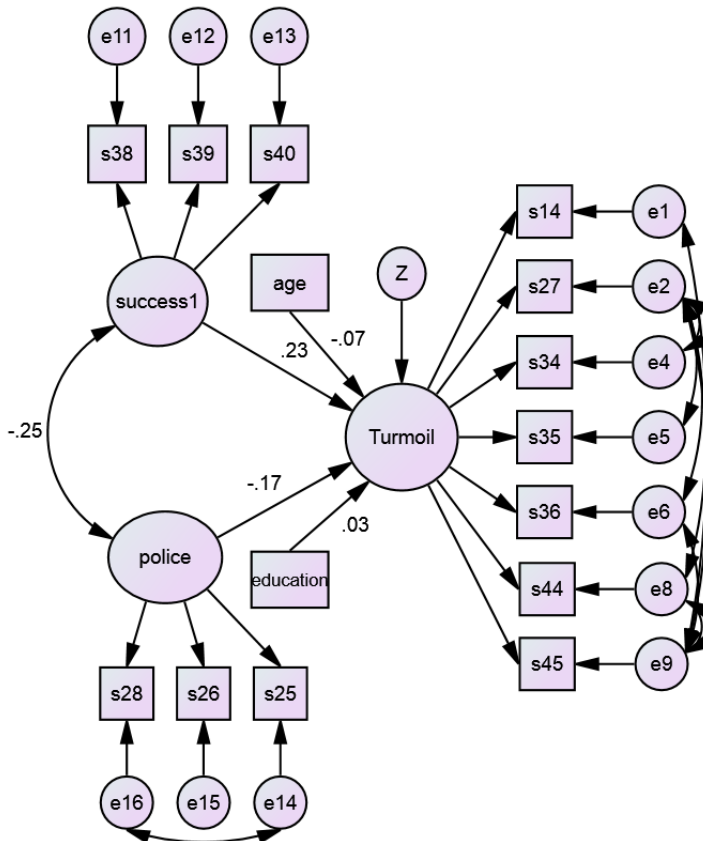
(۲) به نظر می‌رسد موفقیت در ناآرمی‌های جمعی (کنش‌گران) بر خشونت سیاسی شهروندان شهر تهران تأثیر دارد. با توجه به داده‌های جدول و مقدار ضریب همبستگی پیرسون ۰/۴۵۱ و سطح معناداری ۰/۰۰۰ می‌توان با اطمینان ۹۵ درصد بیان کرد که بین موفقیت در ناآرمی‌های جمعی و گرایش آنان به خشونت سیاسی رابطه وجود دارد. از طرفی، مقدار این رابطه که برابر با ۰/۴۵۱ است، به صورت مستقیم (مثبت) و در حد متوسط می‌باشد؛ بدین معنی که با بالا رفتن موفقیت کنش‌گران در ناآرمی‌های جمعی، میزان خشونت سیاسی نیز به نسبت متوسطی بالا می‌رود.

(۳) به نظر می‌رسد سن بر خشونت سیاسی شهروندان شهر تهران تأثیر دارد. با توجه به داده‌های جدول بالا، مقادیر آن نشان‌دهنده این است که بین دو متغیر سن شهروندان و گرایش به ناآرمی در آنها رابطه معنادار وجود دارد ($Sig < 0/05$). شدت این رابطه ضعیف و معکوس می‌باشد؛ به این معنی که با افزایش سن، گرایش به



خشونت کاهش می‌یابد؛ بنابراین فرض پژوهش مبنی بر اینکه بین سن شهروندان و گرایش به خشونت‌های سیاسی آن‌ها رابطه وجود دارد، تأیید می‌شود.

(۴) به نظر می‌رسد میزان تحصیلات بر خشونت سیاسی شهروندان تأثیر دارد. مقادیر برآورد شده در جدول بالا، نشان‌دهنده این است که بین دو متغیر میزان تحصیلات شهروندان و گرایش به ناآرامی آن‌ها رابطه معنادار وجود دارد ($Sig < 0/05$). شدت این رابطه ضعیف و معکوس می‌باشد؛ به این معنی که با افزایش تحصیلات، گرایش به خشونت سیاسی کاهش می‌یابد؛ بنابراین فرض پژوهش مبنی بر اینکه بین میزان تحصیلات شهروندان و گرایش به خشونت آن‌ها رابطه وجود دارد، تأیید می‌شود.



شکل ۲: تحلیل مدل معادلات ساختاری

جدول ۴: شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادلات ساختاری

شاخص	کای اسکوئر نسبی (CMIN/DF)	شاخص برازش تطبیقی (CFI)	شاخص برازش تطبیقی مقتصد (PCFI)	ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA)	هلتر (Holter)	شاخص درجه آزادی (DF)	مقدار
	۴/۸۰	۰/۹۱	۰/۶۷	۰/۰۶	۲۶۸	۷۸	

شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری با مدنظر قرار دادن دامنه مطلوب این شاخص‌ها، در مجموع، بیانگر این است که مدل مفروض تدوین شده توسط داده‌های پژوهش حمایت می‌شوند. به عبارت دیگر، برازش داده‌ها به مدل برقرار است. در نتیجه، همگی شاخص‌ها دلالت بر مطلوبیت مدل دارند. به منظور ارزیابی جزئیات مدل معادله ساختاری بالا و به عبارت دیگر، بررسی مهم‌ترین پارامتر موجود در مدل (اثر متغیرهای مستقل بر گرایش به خشونت سیاسی)، از برآوردهای جدول زیر استفاده شده است:

جدول ۵: برآورد تأثیر متغیرهای مستقل بر گرایش به خشونت سیاسی

متغیر مستقل	ضریب تعیین	برآورد		نسبت بحرانی	سطح معناداری
		استاندارد	غیر استاندارد		
موفقیت در نآرامی‌های جمعی	۰/۱۱	۰/۰۵	۰/۲۳	۳/۹۳	۰/۰۰۰
موفقیت در کنترل نآرامی‌ها توسط پلیس	-۰/۰۳	-۰/۱۷	-۰/۱۷	-۳/۳۴	۰/۰۰۰
سن	-۰/۰۲	-۰/۰۷	-۰/۰۷	-۲/۹۷	۰/۰۰۳
تحصیلات	۰/۱۰	۰/۰۳	۰/۰۳	۱/۵۵	۰/۱۲۰

مقادیر برآورد شده در جدول بالا بیانگر این است که:

- متغیرهای موفقیت در کنترل نآرامی‌ها توسط پلیس، موفقیت در نآرامی‌های جمعی کنشگران و سن (به صورت غیرمستقیم)، در مجموع، ۱۱ درصد از واریانس متغیر وابسته پژوهش (گرایش به خشونت سیاسی) را تبیین می‌کنند.
- اثر سه متغیر موفقیت در کنترل نآرامی‌ها توسط پلیس، موفقیت در نآرامی‌های جمعی کنشگران و سن، بر گرایش به خشونت سیاسی شهروندان تهرانی معنادار است. با مدنظر قرار دادن ضریب تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل، می‌توان گفت اثر متغیر موفقیت در نآرامی‌های جمعی کنشگران بر گرایش به خشونت

تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به خشونت سیاسی با تأکید بر موفقیت در نآرامی و کنترل نآرامی‌ها...



سیاسی آنها، مثبت و نسبتاً ضعیف (۰/۲۳) و اثر متغیر موفقیت در کنترل ناآرامی‌ها توسط پلیس بر گرایش به خشونت سیاسی، منفی و ضعیف (۰/۱۷-) است. سن نیز دارای اثر منفی و بسیار ضعیف (۰/۰۷-) بر گرایش به خشونت سیاسی شهروندان می‌باشد. اثر تحصیلات بر گرایش به خشونت سیاسی شهروندان نیز مورد تأیید قرار نگرفت. همچنین، بین موفقیت در ناآرامی‌های جمعی کنشگران و موفقیت در کنترل ناآرامی‌ها توسط پلیس رابطه‌ای منفی، معنادار و ضعیف (۰/۲۵-) برقرار است؛ بدین معنی که با افزایش احساس موفقیت در ناآرامی‌های جمعی کنشگران، احساس توانمند بودن نظام و پلیس در کنترل ناآرامی‌ها کاهش می‌یابد.

بحث و نتیجه‌گیری

در این قسمت سعی خواهد شد نتایج حاصل از تحقیق با نتایج سایر تحقیقات انجام شده مقایسه شود و سپس، با استفاده از نظریه‌های علمی، نتایج به‌دست آمده تحلیل شود. میانگین گرایش به خشونت سیاسی در بین پاسخگویان، ۴۱/۲ بوده است. انحراف معیار ۱۸/۸ بوده است. میانگین شاخص موفقیت ناآرامی‌های جمعی گذشته، ۴۱/۱ و انحراف معیار آن ۱۸/۶ بوده است. میانگین شاخص موفقیت در کنترل ناآرامی‌های جمعی، ۵۵/۸ و انحراف معیار آن ۱۸/۹ بوده است.

در فرضیه اول، مشخص شد که بین موفقیت پلیس در کنترل ناآرامی‌ها با گرایش به خشونت سیاسی شهروندان شهر تهران رابطه معناداری مشاهده می‌شود. از آنجا که ناآرامی‌های اجتماعی پدیده‌های آنی به‌وجود آمده نیستند، بلکه در بستر روندهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی شکل گرفته و در شرایط زمانی خاصی و در شرایط تنش‌زای داخلی و متأثر از بستر شرایط بین‌المللی و منطقه‌ای حدت و شدت می‌یابند. پس، به عملکرد پلیس در کنترل ناآرامی‌های اجتماعی باید توجه ویژه شود؛ بنابراین نتایج این تحقیق با تحقیق دستمالچی (۱۳۹۰) همخوانی دارد. پس، می‌توان نتیجه گرفت که شناخت شیوه‌های مدیریت بحران و نحوه به‌کارگیری هر شیوه در زمان و مکان مناسب از جمله عوامل مهم در مدیریت بحران بوده و در افزایش موقعیت نقش اساسی دارد. پس، ارتقای مهارت‌های فرماندهان ناجا در این بحث ضروری و مهم است.

همچنین رفتار پلیس باید به گونه‌ای باشد که شائبه طرفداری سیاسی از گروه خاصی در اذهان عمومی و مطبوعات نداشته باشد.

در فرضیه دوم، مشخص شد که بین موفقیت در ناآرامی‌های جمعی (کنش‌گران) با گرایش به خشونت سیاسی شهروندان شهر تهران رابطه معناداری مشاهده می‌شود. امروزه، شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی و وقوع اعتراضات مردمی در هر جامعه‌ای دور از انتظار نیست؛ به نوعی که به انحای مختلف اقشار و طبقات گوناگون، گاهی دست به اعتراض بر علیه دولت و یا حاکمیت خواهند زد. در این میان، پیشینه اعتراضات و این‌که در گذشته چه نتیجه‌ای حاصل شده است، در شکل‌گیری اعتراضات کنونی مؤثر است. پس، می‌توان نتیجه گرفت که اگر شهروندان نارضایتی احساس کنند و از ناآرامی‌های جمعی اتفاق افتاده در گذشته، موفقیتی هرچند نسبی کسب کرده‌اند، تمایل آنها به شرکت در ناآرامی‌های فعلی بیشتر خواهد بود؛ بنابراین نتایج این تحقیق با تحقیقات شوسمن و همکاران (۲۰۰۵)، خسروانی (۱۳۹۸)، جاماسیان (۱۳۹۶)، گودرزی (۱۳۹۱) و محمودوند (۱۳۹۸) همخوانی دارد. در صورتی که شهروندان احساس کنند نظام سیاسی قادر است با توسل به قدرت‌های بروکراتیک و نظامی از وقوع خشونت سیاسی پیشگیری کند، احتمال پیوستن به این‌گونه جنبش‌ها کمتر خواهد بود. از طرفی، فارغ از ارزیابی مردم از توان نظام سیاسی، شورش‌های گذشته نیز ملاک خوبی می‌تواند باشد؛ به این معنا که شهروندان با مراجعه به اعتراضات گذشته در ذهن خود ارزیابی نسبی از میزان موفقیت آنها در دستیابی به اهداف خود خواهند داشت. اگر چنانچه اعتراضات قبلی چندان موفقیت نبوده باشد، یا هزینه آنچه که به‌دست آمده است بیشتر از برآوردهای آنها بوده باشد، شهروندان در شرایط ثابت بودن سایر شرایط احتمال کمتری وجود خواهد داشت که به جنبش بپیوندند.

در فرضیه سوم و چهارم، مشخص شد که بین سن و میزان تحصیلات با گرایش به خشونت سیاسی شهروندان شهر تهران رابطه معناداری مشاهده می‌شود؛ بنابراین نتایج این تحقیق با تحقیق دستمالچی (۱۳۹۰) همخوانی دارد. بر اساس یافته‌های این پژوهش، متغیرهای بی‌نظمی اجتماعی، کنترل رسمی، تحصیلات، دینداری و کنترل غیررسمی به ترتیب، بیشترین تأثیر را بر میزان خشونت داشته است. پس، با بیان این تحلیل‌ها می‌توان دریافت که هرچه میزان تحصیلات افراد بیشتر باشد، میزان آگاهی



آنان بیشتر می‌شود و در نتیجه، میزان گرایش آنان به خشونت بیشتر می‌شود. همچنین، افرادی که سن آنان کمتر است، میزان گرایش آنان به خشونت سیاسی بیشتر است.

پیشنهادها

۱- متغیری که ارتباط نسبتاً وثیقی با گرایش به ناآرامی (خشونت سیاسی) دارد، موفقیت نظام سیاسی در کنترل ناآرامی‌های سیاسی است. پیشنهاد می‌شود دولت با باز کردن مجرای برای بروز اعتراضات در چارچوب قانونی اقدام نماید؛ چرا که عملاً با این روش شهروندان (حتی اینکه در اقلیت نیز باشند) با ابراز نارضایتی خود در چارچوب قانونی به مانع از تبدیل این دست اعتراضات به جنبش‌هایی خشونت‌آمیز می‌شوند.

۲- شناخت شیوه‌های مختلف مدیریت بحران و نحوه به‌کارگیری هر شیوه در زمان و مکان مناسب، از جمله عوامل مهم در مدیریت بحران بوده و در افزایش موفقیت نقش اساسی دارد؛ بنابراین ارتقای مهارت‌های فرماندهان در این بحث ضروری به نظر می‌رسد.

۳- فرماندهان صحنه مدیریت بحران نیازمند تفسیر و تبیینی هستند که بتواند اهداف و ابزارها را در سطح محلی، منطقه‌ای و ملی به یکدیگر ارتباط دهد و به مسائل پیرامون آن توجه کند.

۴- شناسایی مناسب رهبر یک گروه خشمگین و بالقوه خشن توسط پلیس و حذف ماهرانه وی بدون توسل به هرگونه خشونت اضافی برای خنثی کردن موقعیت بالقوه خطرناک، مهم است.

۵- طرح‌ریزی طیفی از راهبردها، مانند راهبرد مستقیم و غی مستقیم مورد نیاز است که ضمن انعطاف‌پذیر بودن، الزام‌آور نباشند و چنان طراحی شده باشند که بتوان از آنها در وضعیت‌های غیرقابل پیش‌بینی بهره‌برداری کرد.

منابع

- احمدی، فردین (۱۳۹۳). «تأثیر شبکه مجازی فیس‌بوک بر نوع مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه خوارزمی تهران»، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه خوارزمی.
- الیاسی، محمدحسین (۱۳۹۹). «ناآرامی‌های اجتماعی و مدیریت آن‌ها». (طرح پژوهشی)، مرکز مطالعات راهبردی ناجا.
- اصلانی، امید (۱۳۹۸). «نقش شبکه‌های اجتماعی در ایجاد بحران و مهار بحران‌ها». فصلنامه ره‌آورد نور، صص ۳۹-۳۲.
- اسملسر، نیل (۱۳۸۰). «تئورهای رفتار جمعی». (ترجمه رضا دژاکام)، تهران: مؤسسه یافته‌های نوین و نشر دواوین.
- دهقانی، علی؛ حسینی، سید محمدحسین؛ فتاحی، محمد؛ حکمتی فرید، صمد (۱۳۹۶). «بررسی رابطه بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد در ایران». فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات اقتصادی کاربردی ایران، سال ششم، شماره بیست‌ویکم.
- جاماسیان، سیامک (۱۳۹۶). «شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر در بروز خشونت و راهکارهای پیشگیری از آن در سطح یزد». فصلنامه دانش انتظامی استان یزد، دوره چهارم، شماره چهاردهم.
- خسروانی، عباس (۱۳۹۸). «عوامل مؤثر بر اعتراضات کارگری در شهر اراک». (طرح پژوهشی)، دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان مرکزی.
- دستمالچی، مهدی (۱۳۹۰). «کنترل ناآرامی‌های اجتماعی توسط پلیس از نگاه مطبوعات (ناآرامی‌های دانشجویی تهران سال‌های ۸۲ و ۷۸)». فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، شماره چهارم، سال سوم، زمستان ۱۳۹۰.
- رابرت گر، تد (۱۳۸۸). «چرا انسان‌ها شورش می‌کنند؟». (ترجمه علی مرشدی‌زاد)، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- رحمانی فضلی، عبدالرضا (۱۳۹۷). «اعتراضات مردمی را سازماندهی شده نمی‌دانیم». روزنامه اطلاعات، ۱۳۹۷/۰۴/۱۰.
- رحمانی فضلی، عبدالرضا (۱۳۹۸). «گزارشی از اعتراضات سراسری از ۱۶ تا ۲۶ آبان». صدا و سیما جمهوری اسلامی، برنامه نگاه یک، ۱۳۹۸/۹/۶.
- رضایی، سید مرتضی (۱۳۹۲). «بررسی و تأثیر جایگاه شبکه‌های مجازی در وقوع و گسترش انقلاب های رنگی». دانشگاه آزاد اسلامی.
- سید آتشی، سید علی‌اصغر (۱۳۹۶). «بررسی تأثیر گروه‌های ترویستی - تکفیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران». (رساله دکتری)، دانشگاه عالی دفاع ملی.



- شایگان، فریبا؛ حسینی، ناهید؛ عامری، محمدعلی (۱۳۹۷). «واکاوی راهبرد امنیت و آرامش از دیدگاه مقام معظم رهبری». پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، دوره یازدهم، شماره چهارم و چهارم.
- شهرام‌نیا، امیرمسعود؛ میلانی، جمیل (۱۳۹۳). «بررسی جنبش‌های خاورمیانه به مثابه جنبش‌های اجتماعی جدید (فرصت‌ها و تهدیدها) علوم سیاسی، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، شماره دهم، بهار ۱۳۹۳.
- گودرزی، آیت (۱۳۹۱). «نآرامی‌های اجتماعی عوامل و فرآیند آن». (رساله دکتری)، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۵). «نظریات جامعه‌شناسی». (ترجمه منوچهر صبوری)، تهران: نشر نی، چاپ هفدهم.
- محمدی لرد، عبدالمحمود (۱۳۹۸). «مدل مفهومی سازماندهی در نآرامی‌های خیابانی». فصلنامه مطالعات راهبردی، سال بیست و دوم، شماره سوم.
- محمودی لرد، احمدرضا (۱۳۹۸). «مدل مفهومی سازماندهی در نآرامی‌های خیابانی». فصلنامه مطالعات راهبردی، سال بیست و دوم، شماره سوم.
- محموداوغلی، رضا؛ اصغری نیازی، یعسوب (۱۳۹۶). «بررسی عوامل مؤثر بر خشونت سیاسی (مورد مطالعه: جمعیت بلوچ شهر زاهدان)». فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال ششم، شماره بیست و یکم، تابستان ۱۳۹۶.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۱). «درآمدی نظری بر جنبش‌های اجتماعی». تهران: پژوهشکده امام خمینی.
- مهری قهفرخی، حبیب‌اله (۱۳۸۸). «مبارزات خشونت‌پرهیز و تغییر سیاسی: گونه‌شناسی، سازوکار عمل و راهکارهای مقابله (مورد مطالعه: حوادث پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ جمهوری اسلامی ایران)». دانشگاه علامه طباطبائی.
- نادرپور، علی (۱۳۹۸). «مبانی فکری خشونت سیاسی در بنیادگرایی اسلامی». فصلنامه علمی پژوهشی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، صص ۲۳-۳۴.
- Craig, Calhoun (1993). "New Social Movements of the Early 19th Century" *Social Science Journal*, 17, pp ۳۸۵-۴۲۷
- Collins, Randall (1981). "on the micro foundation of marco sociology" *American journal of sociology* . vo1.86,PT.984-1014.
- Diani, Mario (1992). "The Concept of Social Movement" *Sociological Review* pp ۱، ۴۰-۲۵.
- Mann Michael (2005). *the sources of social power: the rise of classes and nation states*, Cambridge University Press.

- Melucci, Alberto (1989). "Nomads of the Present" London: Hutchinson Radius.
- Robert Benford (1983). Online Rebellion: Self-Organized Criticality of contemporary Protest Movements , Snow, David & "Framing processes and social movements" Annual Review of Sociology, 26, pp ۶۱۱-۶۳۹
- Touraine, Alain (1985). "An Introduction to the study of social Movements" Social Research, 52, pp ۷۴۹-۸۸
- Sanderson, A., (2007). From axial to road-centre lines: a new representation for space syntax and a new model of route choice for transport network analysis, Environment and Planning B: planning and Design, Vol. 34, No. 3, pp. 539-555.

Archive of SID